

A Conceptual Approach to the Role of Accessibility in the Japanese Garden

Vahid Norouzi¹  | Mohsen Norouzi² 

1. Bachelor of Architecture, University of Zanjan, Zanjan, Iran. vahidnorouzi@chmail.ir

2. Master of Civil Engineering Student, University of Bologna, Italy. mohsen.norouzi@studio.unibo.it

Article Info:

Article type:
Research Article

history:
Received:

2024/2/13

Received:
2024/5/5

Accepted:
2024/7/2

Published:
2024/8/5

Keywords:

Accessibility, Place Attachment, Vista, Pathway Edges Quality, Approaching Type.

Abstract: Achieving a deeper understanding of the concept of accessibility requires studying its features linked to the places that people experience. The constant experience of a place, facilitated by accessibility, plays a fundamental role in enhancing the sense of place and place attachment. Accessibility acts as a mediator that establishes relationships between visitors and the Japanese garden on various scales, both physically and mentally. In other words, accessibility is an inseparable aspect of the architecture of the Japanese garden that aids visitors in comprehending the dimensions of the place more effectively. Therefore, understanding the concept of accessibility and identifying its components, alongside considering the dimensions of place attachment, are crucial for architects to develop a more profound understanding of accessibility-based design in relation to place. This article examines the relationship between accessibility and place in the architecture of Japanese gardens by proposing the following hypotheses: 1. Accessibility is a fundamental factor in experiencing and discovering a Japanese garden. 2. Accessibility, as an intermediary agent between humans and the place, plays a key role in understanding the various dimensions of place and deepening the visitors' connection to it. Through a descriptive-analytical method, this study first examines the different aspects of accessibility in recent research, followed by a discussion on the nature of accessibility. Finally, the study identifies "Vista," "Pathway Edges Quality," and "Approaching Type" as three main components of accessibility in a Japanese garden. These components create a context that alternately conceals and reveals the garden's scenes to visitors, establishing a continuous interaction between individuals and the place, thereby fostering a deeper sense of place that integrates the concepts of accessibility and place in their minds.

Cite this article: Norouzi, N. Norouzi, M. (2024) A Conceptual Approach to the Role of Accessibility in the Japanese Garden, *Architectural & Environmental Research* 2(2), 49-73. <https://doi.org/10.30470/jaer.2020.125608.1080>

© The Author(s).

Homepage: jaer.znu.ac.ir

Publisher: University of Zanjan





نگرش مفهومی به جایگاه دسترسی در باغ ژاپنی

وحید نوروزی | محسن نوروزی

۱. کارشناس معماری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. vahidnorouzi@chmail.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی عمران، دانشگاه بولونیا، ایتالیا. mohsen.norouzi@studio.unibo.it

چکیده: دست‌یابی به درکی عمیق نسبت به مفهوم دسترسی مستلزم بررسی وجوه پیوند خورده آن با معانی مکانی است که انسان در معرض تجربه‌اش قرار دارد. تجربه مداوم مکان در بستر دسترسی عاملی است که در ارتقای حس دل‌بستگی به مکان تأثیری بنیادین داراست. بررسی‌ها نشان می‌دهند که معماری ژاپن نگرش مفهومی متفاوتی نسبت به موضوع دسترسی ارائه می‌نماید. دسترسی به‌عنوان عاملی واسطه در ایجاد ارتباط عینی - ذهنی انسان با باغ ژاپنی در مقیاس‌های مختلفی فرد را با مکان در تعامل قرار می‌دهد. در واقع دسترسی در معماری باغ ژاپنی چنان غیرقابل تفکیک از مکان است که از طریق آن می‌توان ابعاد مکان را بی‌واسطه دریافت. از این رو شناخت عمیق مفهوم دسترسی و مؤلفه‌های آن از یک سو و ابعاد دل‌بستگی به مکان از سوی دیگر در باغ ژاپنی می‌تواند موجب افزایش درک معماران نسبت به طراحی مبتنی بر دسترسی - مکان گردد. این مقاله با طرح فرضیه‌های مطرح‌شده زیر سعی بر آن دارد تا به بررسی رابطه دسترسی و مکان در معماری باغ ژاپنی بپردازد. الف. دسترسی عاملی بنیادین در تجربه و کشف مکان است و ب. دسترسی به‌عنوان واسطی در ایجاد ارتباط انسان و مکان عامل اصلی در درک ابعاد مختلف مکان و عمق‌یابی سطوح آن است. در این راستا ابتدا از طریق روش توصیفی - تحلیلی وجوه مختلف دسترسی در پژوهش‌های اخیر بررسی شده و سپس به تشریح ماهیت دسترسی پرداخته می‌شود. در نهایت این پژوهش نشان می‌دهد که سه مؤلفه «چشم‌انداز»، «کیفیت لبه راه» و «نحوه تقرب انسان» به‌عنوان مفاهیم اصلی تعریف‌کننده دسترسی در باغ ژاپنی لایه‌لایه موجب آشکار شدن مناظر بریننده می‌گردد که در اثر تعامل مداوم انسان با مکان سبب عمق‌یابی حس فرد به مکان شده و مفهوم دسترسی و مکان را بر او یکپارچه می‌سازد.

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ‌ها:

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

بازنگری: ۱۴۰۳/۲/۱۶

پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۲

انتشار: ۱۴۰۳/۵/۱۵

واژگان کلیدی:

دسترسی، دل‌بستگی به مکان، چشم‌انداز، کیفیت لبه راه، نحوه تقرب انسان

استناد: نوروزی، وحید، نوروزی، محسن (۱۴۰۲). نگرش مفهومی به جایگاه دسترسی در باغ ژاپنی. پژوهش‌های معماری و محیط، ۲۳(۲)، ۷۳-۴۹. <https://doi.org/10.30470/jaer.2020.125608.1080>

ناشر: دانشگاه زنجان.

© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.30470/jaer.2020.125608.1080>

Homepage: jaer.znu.ac.ir



مقدمه

ارتقای بازده و سنجش میزان آن عوامل اصلی مورد توجه در پژوهش‌های صورت گرفته دو دهه اخیر در حوزه دسترسی هستند. در بیشتر این پژوهش‌ها مفهوم عمیق مکان و ویژگی‌های آن مورد توجه قرار نگرفته است، در حالی که مکان عنصر اصلی در تقویت مفهوم دسترسی است. در واقع در این پژوهش‌ها تنها مؤلفه‌های مؤثر در ارتباط فرد و مکان به صورت سطحی تحت عنوان مفاهیمی همچون مبدأ و مقصد مورد تأکید قرار گرفته است. چنین رویکردی موجب جهت‌گیری پژوهش‌های دسترسی و مکان به صورت کمی شده است، در صورتی که دسترسی در مفهوم عمیق‌تر بستری برای آشکارسازی مؤلفه‌های کیفی مکان فراهم می‌سازد. بر اساس چنین پیشینه‌ای این مقاله تأکید دارد که مفهوم دسترسی تنها در ارتباط با مفهوم مکان قابل بررسی و تبیین است و سعی بر پژوهش این فرضیه در معماری‌های مبتنی

بر دسترسی دارد. چنین نگرشی به صورت بسیار عمیق در فرهنگ معماری ایران و شرق قابل مشاهده است که در نگاه آن‌ها دسترسی عاملی است که تعامل میان انسان و مکان را غنا بخشیده و بستری را مهیا می‌سازد که مکان خود را به انسان نمایان ساخته و به این ترتیب لایه‌لایه برای او کشف گردد.

مفهوم دسترسی

دسترسی مفهومی پیچیده است که دارای ابعادی مختلف است. از نظر معنای لغوی این واژه امکان وصول داشتن^۱ و قدرت دست‌یابی به چیزی^۲ را مشخص می‌نماید. دست‌یابی به فضای معماری موضوعی است که با مفاهیمی همچون راه، سیرکولاسیون^۳، ارتباطات فضایی و حتی عناصر این ارتباط همچون ورودی و مفاصل فضایی پیوند می‌یابد. از این رو گرچه چنین مؤلفه‌هایی هر یک به نحوی بر روی کیفیت دسترسی اثرگذار هستند و وجهی متفاوت از آن را نمایان می‌سازند؛ ولی هیچ کدام به‌تنهایی قادر به تعریف

۱. دیکشنری آنلاین واژه‌یاب/دسترسی/دهخدا

(<https://www.vajehyab.com/>)

۲. دیکشنری آنلاین واژه‌یاب/دسترسی/عمید

(<https://www.vajehyab.com/>)

مفهوم واقعی دسترسی نمی‌باشند.

معماری غربی دارای رویکرد سطحی‌تری نسبت به معماری ایرانی و شرقی در ارتباط با موضوع دسترسی است. در ادبیات معماری غرب به‌ویژه در تفکرات معماری معاصر موضوعات عملکردی در رابطه با دسترسی با تأکید بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. چنین رویکردی موجب اهمیت‌یابی مفاهیمی همچون حمل و نقل و جابه‌جایی بین شهری و جانمایی مناسب عملکردها برای دسترسی عمومی مردم شده است. در حالی که در نگاه ایرانی، دسترسی عمق معنایی بیشتری را داراست. در این نوع نگرش دسترسی به‌عنوان عاملی ارتباطی برای دستیابی انسان به فضای معماری به‌خصوص در مقیاس خارج از بناها در نظر گرفته می‌شود که در ارتباط قوی با انکشاف مکان است. مفهوم دسترسی به شکل گفته شده بیشتر در آموزش طراحی فضای معماری مورد توجه قرار گرفته است و ابعاد و جزئیات آن به‌صورت مشخص مورد نقد و بحث قرار نگرفته است. رویکرد ایرانی به موضوع دسترسی

بی‌شبهت به تفکرات شرقی در رابطه با این مفهوم نیست. در معماری شرقی به‌خصوص در باغ ژاپنی دسترسی نه تنها به‌صورت عمیقی در فضا مورد توجه قرار گرفته است؛ بلکه وجوه مختلف این مفهوم نیز که در پیوند با آن است دارای بار معنایی ژرف‌تری نسبت به دیگر فرهنگ‌هاست.

از آنجا که دسترسی به شکل علمی ابتدا در ادبیات غرب مطرح شده است در ادامه مفهوم دسترسی و وجوه آن در غرب مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مفهوم آن به‌صورت روشن‌تری در معماری ژاپنی قابل نقد و بررسی باشد.

وجوه دسترسی

دسترسی در فرهنگ غرب دارای وجوه مختلفی است که هر یک به بعدی کارکردی درباره آن اشاره دارند. پژوهش‌های اخیر بیانگر این موضوع است که دسترسی یک اصطلاح اساسی شناخته‌شده در برنامه‌ریزی فیزیکی و شهری است و معانی زیادی برای آن ارائه شده است (چن و یین، ۲۰۱۹؛ ژور و ون‌لی، ۲۰۰۴؛ هندی و نیمیر، ۱۹۹۷؛ هانسن، ۱۹۵۹؛

واژه‌ای وارداتی به فرهنگ ژاپن است. وجه فعالیتی دسترسی از ابعاد مورد توجه در غرب است. از نظر هانسن مفهوم دسترسی از طرق مختلفی تعریف و عملیاتی می‌شود و از این رو است که معانی متنوعی را به خود اختصاص داده است. این تعاریف پتانسیل فرصت‌های مختلف تعامل را شامل می‌شود (هانسن، ۱۹۵۹). در این نگرش دسترسی به عنوان میزان توانایی دستیابی و بهره‌مندی از فرصت‌های شهری مطرح است (بلسیک و دیگران، ۲۰۱۳). دسترسی از عوامل مؤثر در تعریف فضاهای عمومی است (غیاثوند و سهیلی، ۱۳۹۵). به عبارتی دسترسی به پتانسیل دستیابی به فرصت‌هایی که در فضا توزیع شده است (از جمله اشتغال، تفریح، تعامل اجتماعی و غیره) اشاره دارد (بودلویکا، ۲۰۱۹).

بسیاری از پژوهش‌ها پاسخ‌گویی به فعالیت‌هایی را که فرد درصدد انجام آن در محدوده‌ای مشخص است از

مارکویچ، ۲۰۱۳). آنچه تحت عنوان دسترسی از آن یاد می‌شود در حقیقت ترجمه عبارت دسترسی‌پذیری^۱ است که در سال‌های اخیر از مفهوم نقل و انتقال^۲ جدا شده است. در حالی که نقل و انتقال شهری بر روی ابزار و وسایل به کاررفته در سیستم حمل و نقل^۳ و میزان بازده آن تمرکز دارد، دسترسی مفهومی است که به نقاط پایان سفر و مسافران می‌پردازد (بلسیک و دیگران، ۲۰۱۳). دسترسی‌پذیری متفاوت از مفهوم قابل دسترسی^۴ بودن است. مفهوم قابل دسترسی که بیشتر ریشه در مناسب‌سازی فضای شهری برای افراد با سطوح مختلف توانایی جسمی دارد (یاسمین، ۲۰۱۱) اغلب تحت عنوان طراحی همگانی^۵ یا طراحی برای همه^۶ یاد می‌شود. شاید طراحی برای همه را بتوان با مفهوم باریافوری^۷ در فرهنگ ژاپنی که در حقیقت همان بریرِ فیری^۸ به معنای مسیر آزاد از مانع است معادل دانست. این کلمه که با الفبای کاتاگانا^۹ نوشته می‌شود

6. Design for all
7. Bariafuri
8. Barrier-free
9. Katakana

1. Accessibility
2. Mobility
3. Transportation
4. Accessible
5. Universal design

یک مکان برای شرکت در یک فعالیت خاص یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها داشته باشد (هانسن، ۱۹۵۹). علاوه بر این دسترسی رابطه بین سیستم فعالیت در یک منطقه ارضی و سیستم حمل و نقلی را بیان می‌کند که در خدمت آن است (کاشتا و دیگران، ۲۰۱۲).

علاوه بر فعالیت‌ها و فرصت‌ها وجه مکانی یکی از عوامل اصلی مورد توجه در دسترسی است. از آنجا که جابه‌جایی بین مبدأ و مقصد یکی از اهداف اصلی در مفهوم دسترسی است، دسترسی در حمل و نقل شهری به سهولت دست‌یابی به مقاصد نیز اشاره دارد (سید مهدظر، ۲۰۰۸). به عبارتی دسترسی می‌تواند میزان سهولت پاسخ‌گویی مکان‌های توزیع شده در فضا تعریف گردد که برای کارکردی مشخص در محدوده یک فرد قرار گرفته است (کاشتا و دیگران، ۲۰۱۲). در یک تعریف ساده دسترسی به نزدیکی نسبی یا مجاورت یک مکان یا شخص با همه مکان‌ها و اشخاص دیگر اشاره دارد (بتی، ۲۰۰۹). در حالی که واژه مکان شامل فرصت‌ها و فعالیت‌ها نیز است، دسترسی

فرصت‌هایی می‌داند که دسترسی ارائه می‌نماید. به بیانی ساده موضوع دسترسی در ارتباط با توانایی مردم در دست‌یابی به فعالیت‌های پراکنده جغرافیایی، جاذبه‌ها و خدمات شهری مختلف است. چنین رویکردی منجر به تلاش برای یافتن راه‌حل‌هایی برای پاسخگویی به مشکلات مختلف از جمله دست‌یابی به مشاغل، خدمات و فعالیت‌های اوقات فراغت با تمرکز بر اتومبیل و سرعت بوده است که منجر به معضلات فراوان زیست‌محیطی و ازدحام و پراکندگی شهری شده است (برای مثال براون، ۲۰۱۷؛ گارلینگ و استگ، ۲۰۰۷؛ پرستون و راج، ۲۰۰۷). بنابراین در نگرش جدید توجه بیشتر به سایر روش‌های کم‌خطر برای دسترسی به محیط شهری برای همه شهروندان مورد توجه قرار گرفته است (گیل سولا و دیگران، ۲۰۱۸). دسترسی را می‌توان میزان توانایی یک خیابان برای اسکان‌دهی و توزیع فعالیت‌های استاتیک در شبکه محلی و جهانی مربوط نیز تعریف کرد (سید مهدظر، ۲۰۰۸). به بیانی دیگر دسترسی امکانی است که یک فرد در

گره گشا باشد. در فرهنگ ژاپنی دسترسی به معنای غربی آن مفهومی جدید است. کلمه آکوسسو^۱ در حقیقت برگردان انگلیسی واژه اکسس در زبان ژاپنی است که انتقال‌دهنده مفاهیم بررسی شده در رابطه با دسترسی پذیری به فرهنگ ژاپن است. این کلمه با الفبای کاتاکانا که مختص واژه‌های وارد شده از سایر فرهنگ‌ها به ژاپنی است نوشته می‌شود. یکی از کاربردهای واژه آکوسسو نمایش نحوه دستیابی به مکانی خاص و موقعیت آن بر روی نقشه است. کلمه سک کین^۲ مترادف واژه آکوسسو و به معنای نزدیک شدن به چیزی است. شاید بتوان واژه تقرب^۳ را در زبان انگلیسی معادل مناسبی برای سک کین دانست. قسمت اول این واژه از سمت چپ به معنای ارتباط و لمس چیزی است و در قسمت دوم آن بخش ابتدایی که شکل پا را نشان می‌دهد کلمه‌ای پر کاربرد به معنای حرکت انسانی است.

اما مفهوم دسترسی را در معماری ژاپن می‌توان با تدقیق در نوع نگرش

به یک مکان ارتباط عمیقی با جنبه‌های عملکردی، اقتصادی و اجتماعی آن دارد (ارکوت و ازگن، ۲۰۰۳؛ ژور و ونلی، ۲۰۰۴ اسپیکرمن و نویاور، ۲۰۰۲). این موضوع پتانسیل قابل توجهی در خود داراست که پتانسیل توسعه در آینده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (هانسن، ۱۹۵۹؛ واکس و کومگای، ۱۹۷۳).

در نگاهی کلی مفاهیم فعالیت، فرصت و مکان وجوه اصلی دسترسی در غرب است که به صورت عملکردی مورد توجه قرار گرفته است. این نگرش در ژاپن با نگاهی غنی تر در معماری سنتی دیده می‌شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

ماهیت دسترسی در معماری ژاپن

دسترسی از لحاظ ماهیت در نگاه ژاپنی واژه‌ای درهم تنیده با مفاهیم عمیق انسانی و فضایی است. از آنجا که واژه‌های ژاپنی پیوند عمیقی با مصداق بیرونی آن داراست، بررسی این واژه‌ها که اغلب دارای ریشه چینی هستند می‌تواند در فهم بیشتر نگاه ژاپنی به موضوعی خاص

2. Sekkin (接近)
3. Approach

1. Akusesu (アクセス)

اتاق چای در باغ ژاپنی داراست در بخش اول که به معنای پیاده‌راه ارتباطی است مفهوم پای انسان دیده می‌شود و همچنین در قسمت دوم که به معنای امتدادیافتن زمین است مفهوم زمین به کاررفته است.

چنان‌که دریافت می‌شود مفهوم دسترسی علاوه بر مفهوم غربی که وارد فرهنگ ژاپنی شده، خود دارای وجه مفهومی در این منطقه بوده است و وجه اصلی آن در فرهنگ ژاپنی که شامل راه و مسیر است به صورت مفهومی در ارتباط با انسان، زمین و حرکت در یک امتداد و جهت است. چنین نوع مفهوم‌سازی را شاید بتوان با نگرش مفهومی به واژه‌هایی همچون گذر و معبر در ارتباط با نگاه معماری ایرانی نسبت به دسترسی مشابه دانست که در آن وجه اصلی دسترسی به مفاهیم انسان، محیط، راه و تجربه حرکت او در فضا نسبت به موضوعات کارکردی غربی بسیار برجسته‌تر است.

جایگاه دسترسی در فضای معماری

چنانکه گفته شد راه مجرای اصلی در تبلور مفهوم دسترسی در معماری ژاپنی

ژاپنی به مفهوم راه^۱ دریافت. راه و مسیر در معماری ژاپنی مهم‌ترین وجه دسترسی را در برمی‌گیرد. کلمه میچی^۲ به معنای مسیر یکی از کلمات پرکاربرد ژاپنی است که از دو بخش تشکیل شده است. بخش ابتدایی آن از چپ که در واژه سکین نیز دیده می‌شود به معنای حرکت کردن انسان است و قسمت دوم به معنای گردن است و از آنجا که گردن، تنه و سر را به هم اتصال می‌دهد در این کلمه مفهوم در امتداد و مسیری حرکت کردن مستتر است. از دیگر واژه‌های ژاپنی پرکاربرد که ارتباط عمیقی با مفهوم دسترسی داراست کلمه کر^۳ به معنای مسیر مشخص بین یک مبدأ و یک مقصد است. در این کلمه که مفهوم مسیر را در خود داراست در بخش اول که به معنای عرض جغرافیایی است مفهوم ارتباط با زمین و در بخش دوم که به معنای راه است حرکت انسان با پا موجود است. مسیر به معنای خاص آن در باغ ژاپنی با واژه رُجی^۴ به معنای کوچه نشان داده می‌شود. در این کلمه که ارتباط عمیقی با

2. Keiro (経路)

3. Roji (路地)

4. Pathway

1. Michi (道)

بصری یکی از ویژگی‌های مهم طراحی مسیر است (جونس، ۲۰۰۱). ارائه تصاویر موردنظر در ذهن بیننده در معماری ژاپنی توسط عناصری مشخص صورت می‌گیرد. این عناصر که ابداعات خاص ژاپنی در مواجهه با بخش‌های ورودی تا مقصد است در معماری باغ‌های آن بسیار استفاده و تکرار شده است.

عناصر فضایی دسترسی

راه‌ها در طول مسیری که بیننده را برای تجربه باغ ژاپنی همراه می‌سازند با کیفیت‌های متفاوتی چشم‌اندازهای^۱ مختلف باغ را برای فرد نمایان می‌سازند. در طول راه نه تنها ریتم و آهنگ حرکت در باغ کنترل می‌شود بلکه منظر دیداری مناسبی نیز ارائه می‌گردد. راه‌ها تنها یک عنصر فضایی در کل یک پلان نیستند بلکه این امکان را ایجاد می‌کنند که باغ چگونه برای بیننده آشکار گردد (کین، ۲۰۱۲). به‌طور کلی چنین می‌توان گفت که یک بنای سنتی ژاپنی بر روی مسیری پیموده شده از خیابان تا ورودی آن تأکید دارد. در طول مسیر یک دروازه به‌منظور

است. فضای معماری ژاپنی به‌خصوص باغ در طول مسیر به‌صورت لایه‌لایه برای بیننده آشکار می‌گردد. به عبارتی راه به‌عنوان عاملی که در معماری ژاپنی به‌منظور تقویت دیگر اجزای آن به کار گرفته می‌شود، ایجادکننده بستری است که از فاصله دور نگاهی آنی از معماری باغ پیش‌روی بیننده قرار می‌دهد و پس از پنهان‌سازی این منظر در لایه‌ای دیگر فرد را در تجربه نزدیک آن منظره قرار می‌دهد. از سوی دیگر راه عامل پیوند معماری و باغ ژاپنی است (لاکر و سیمونز، ۲۰۱۰). فلسفه معماری ژاپنی در طول راه درصدد است تا همه چیز را در یکباره به نمایش نگذارد. این رویکرد تصویری اسرارآمیز از فضا‌سازی در ذهن بیننده به وجود می‌آورد. به شکلی که هر منظری بخشی از خود را از بیننده پنهان می‌نماید و فرد در یک نگاه همه آنچه را که وجود دارد مشاهده نمی‌نماید (انگل، ۱۹۸۶). علاوه بر این راه در باغ ژاپنی به لحاظ تکنیکی از اصولی مشخص تبعیت می‌کند. در باغ ژاپنی دستیابی به تعادل

تأکید بر ورود به بخش خصوصی ایجاد شده و از تغییر ناگهانی فضای خیابان به خانه جلوگیری می‌نماید. مناظر سبز ایجاد شده پس از دروازه با خیابان در تضاد قرار می‌گیرد. ماهیت واقعی چشم‌انداز ژاپنی مسیر میان دروازه تا ورودی بنا است. بعضی اوقات مسیر در ابتدا کمی پیش می‌آید تا توسعه ملایمی در جهت ورودی داشته باشد. با این راهکار به تدریج سر و صدای خیابان کاهش یافته و توجه به ناحیه پس از دروازه جلب می‌شود و با داخل شدن فرد دنیای بیرون در نظر کاملاً توقف می‌یابد (اهازاما، ۱۹۸۲). عناصر فضایی اصلی تعریف شده از مبدأ تا بنای اصلی شامل دروازه، دیوار، پرچین، ایوان و سایه‌بان در طول راه به‌خصوص در معماری باغ‌ها هستند که در ادامه اشکال مختلف آن بررسی خواهد شد (اسفاکیوتاکا، ۲۰۰۵). بسیاری از این عناصر طبیعی هستند که موجب ایجاد فرم‌ها و خطوط آزاد طبیعی نیز می‌گردند (مهدی‌زاده سراج و نیک‌گفتار، ۱۳۹۰).

من^۱ پسوندی است که به دروازه اطلاق می‌شود و دارای انواع متعددی است (پرنت، ۲۰۰۴). هی^۲ نرده یا دیواره‌ای است که بر اساس مصالح استفاده‌شده برای ساخت آن از جمله خاک، سنگ، کاشی و بامبو طبقه‌بندی می‌گردد (پرنت، ۲۰۰۴). ایکگاکی^۳ حصاری برای زیستن و زندگی به معنای واقعی است. این حصار نوعی پرچین ساخته‌شده از درختان، بامبو یا سایر گیاهان زنده است که در یک ردیف کاشته شده و مرتب می‌شوند. ایکگاکی نیز شامل انواع مختلفی است (پرنت، ۲۰۰۴). انگاوا^۴ به محدوده کنار یا اطراف فضا با کف پوشیده‌شده از حصیر یا ایوان در بنای ژاپنی گفته می‌شود. اخیراً انگاوا به یک ایوان که به طور نسبی در داخل ساختمان واقع شده و با درهای کشویی فضا را در برابر باران محافظت می‌کند یا به یک ایوان کاملاً در معرض دید گفته می‌شود (پرنت، ۲۰۰۴). هیساشی^۵ فضایی مفصل مانند اطراف هسته یک ساختمان است. هیساشی در حقیقت یک

5. Engawa (縁側)

6. Hisashi (廂)

2. Mon (門)

3. Hei (塀)

4. Ikegaki (生垣)

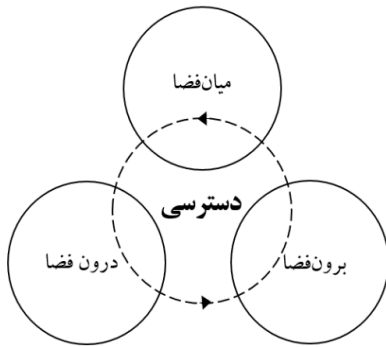
در سیمای بنا بیرون می‌زند. این بخش به طور معمول یک عرشه چوبی است که از روی زمین بلند شده و توسط یک سقف پوشیده شده است. مردم از باغ‌های مجاور این فضا می‌توانند وارد آن شوند. امروزه همسایگان برای معاشرت اغلب در این فضاها جمع می‌شوند. وقتی یک فضای انگاوا در سطح زمین و ایوان‌های اضافی بالاتر از این سطح در طبقه دوم ساخته شده باشد فضا مانند یک سالن آمفی‌تئاتر عمل می‌کند. بطوری که طبقه‌های بالا و پایین در یک گفت و گو با هم بوده و مردم می‌توانند یکدیگر را ببینند و آنچه را که انجام می‌دهند مشاهده نمایند. از سوی دیگر زنده کردن فضاهای داخلی و خارجی با ارتباط بین محدوده‌های سبز و مناطق فعال ساخته‌شده توسط انگاوا صورت می‌گیرد (فوجی، ۲۰۱۵). انگ اوا تنها فضایی است که علاوه بر آنکه بین باغ و فضای داخلی قرار دارد حتی در فضای داخلی خانه نیز استفاده شده و دارای کارکرد چندمنظوره است و به عبارتی به هیچ‌یک از بخش‌های داخل یا

منطقه باریک مشابه راهرو است که می‌تواند به طور کامل در یک، دو یا سه طرف فضا گسترش یابد. هیساشی همچنین ممکن است به یک ایوان و راهروهای باز که در زیر سقف اصلی یا پشت‌بام قرار دارد گفته شود (پرنت، ۲۰۰۴). سوداره^۱ به پرده‌های ساخته شده از ساقه‌های بامبو، گیاه دم‌اسب یا نیشکر گفته می‌شود. این ساقه‌های بسیار باریک پیچانده شده و با طناب به هم وصل می‌شوند. سوداره به‌خصوص در اتاق مراسم چای استفاده می‌شود (پرنت، ۲۰۰۴). شوچی یک اصطلاح رایج قرون وسطایی برای پارتیشن‌هایی است که می‌توانند فضای داخلی ساختمان را در درون یا بیرون بنا به بخش‌های جداگانه تقسیم کنند. شوچی‌ها ممکن است به صورت لغزشی آویزان یا ثابت باشند (پرنت، ۲۰۰۴).

اما شاید مهم‌ترین عنصر در ایجاد ارتباط مفهومی میان فضاها انگاواها باشند که به شرح مشخص‌تری نیاز دارند. این فضا نوعی ایوان است که فقط با چندپایه

7. Sudare (簾)

مختلفی را نشان می‌دهد که دسترسی در یک باغ ژاپنی ایجاد کرده و مرتبط می‌نمایند.



تصویر (۱): نقش دسترسی در تقویت مفهوم فضای واسطه در معماری باغ ژاپنی. مأخذ: نگارندگان.

مشخص است که عناصر فضایی تعریف شده در طول مسیر باغ ژاپنی در هر بخش منظر متناسب با تراز دسترسی را برای بیننده ایجاد می‌نمایند. این عناصر سطوح مختلفی را از جهت شفافیت و ارتباط ایجاد می‌نمایند. ارتباط بخش‌ها توسط این نگرش ایجاد می‌شود که فضاهای اصلی توسط سلسله‌ای از فضاهای میانجی درهم گره می‌خورند. این موضوع اهمیت نقش فضای گذار را به‌عنوان فضایی واسطه در میان معماری و باغ مشخص می‌نماید که به آن پرداخته خواهد شد.

خارج فضا تعلق ندارد. از این رو این فضاها در معماری سنتی ژاپن به‌عنوان مناطق خاکستری شناخته می‌شود (نیچکه، ۱۹۹۳). اهمیت اصلی انگاوا در مفهوم واژه آن نهفته است. "ان" به‌عنوان پیشوند در واژه انگاوا در معماری و فرهنگ ژاپنی محدود به این کلمه نیست و دارای پیشینه با اهمیتی است. در ژاپن مفهوم گذار یا به اصطلاح ان^۱ واژه‌ای است که به نظر می‌رسد در دین بودایی و معنای پل ارتباطی در زنجیره اعمال انسان‌ها ریشه دارد. در زندگی اجتماعی ان بیانگر ارتباطاتی بین افراد همچون عشق است (نیچکه، ۱۹۹۳). در نهایت در معماری این پیوند در روابط بین فضاها و چندین گذار که از درون به خارج و از خصوصی به عمومی صورت می‌گیرد منعکس شده است و به هر نوع انتقال از یک فضا به دیگری گفته می‌شود (پستکیس، ۲۰۱۰). مؤلفه‌های دسترسی همگی تحت تأثیر از تفکر ان در معماری ژاپنی است. تصویر (۱) که با تأکید بر مفهوم ان و نقش آن در ایجاد گذار در فضا ارائه شده، سطوح

1. En

مفهوم فضای گذار

دارند و در نهایت برای ارتباط شهر با محیط طبیعی خود نیز صدق می‌کند (لازارین، ۲۰۱۴).

اما کیفیت مفهوم گذار در معماری ژاپن از نحوه سازماندهی فضای ارتباطی تأثیر می‌پذیرد که مبتنی بر حرکت انسان در فضا است. اینو تفاوت فضای معماری هندسه محور و فضای معماری حرکت محور را به این شرح زیر توضیح می‌دهد که فضای معماری زمانی هندسی است که بر اساس یک سیستم هماهنگ متعامد یا قطبی ساخته شده باشد و عناصر ترکیبی آن همیشه تابع محور یا قطب باشد. ناظر نیز باید رابطه خود را با محور یا قطب درک کند. اما هنگامی که یک محور یا قطب مرجع وجود ندارد، هم‌زمان با مشاهده بازسازی پی‌درپی اتفاقات با ترکیب حس بینایی و حافظه ایجاد می‌شود و نیاز به تجسم ذهنی دارد. در فضای حرکت محور برخلاف فضاهای هندسی موقعیت عناصر ترکیبی نسبت به برخی ساختارهای کلی بی‌اهمیت است. در عوض چنان‌که در مفهوم توپولوژی

تبدیل یک فضا به فضای دیگر در طول دسترسی باغ ژاپنی با ایجاد کیفیت‌های فضایی خاصی در سطوح مختلف صورت می‌گیرد. چنین کیفیتی به‌خصوص در مرزها قابل لمس است. مرزها در باغ سنتی ژاپنی مبهم است و می‌توان فضاها را دارای مرز گذار^۱ توصیف کرد. به این معنا که به جای یک تقسیم‌بندی ساده بین فضای بیرونی و داخلی، یک‌سری از عناصر فضایی مرزهای متعددی میان فضاهای مختلف ایجاد می‌نماید. تغییر داخل به خارج نیز توسط توالی پلان‌های ظریف با درجات مختلف شفافیت و نفوذپذیری انجام می‌شود (اسفاکیوتاکی، ۲۰۰۵). معماری ژاپنی حتی بر فضای گذار بین اتاق‌ها به نسبت بیشتری از خود اتاق‌ها تأکید دارد. در صورتی که ایجاد این فضاهای گذار با موفقیت تحقق یابد طبیعتاً هر چیزی در اتاق جای خود را خواهد داشت. این موضوع همچنین در مورد ارتباط یک ساختمان با ساختمان‌های دیگر که در کل شهر امتداد

1. Transition

نیز مهم است موقعیت عناصر نسبت به یکدیگر اهمیت می‌یابد. اجزای مکان به صورت پی‌درپی مشاهده می‌شوند و این پی‌درپی بودن با خم شدن مسیر حرکت یا با انسداد خط دید به بیننده القا می‌گردد. به عبارتی حرکت در فضا چه به صورت واقعی و چه ذهنی همواره در نظر بیننده فرض می‌شود. این اصل مشاهده پی‌درپی است که هیچگاه فضا به اندازه کامل بر بیننده آشکار نمی‌شود و در عوض بخشی از فضا در زمان مشخص نمایان می‌گردد. اینو در ادامه می‌گوید که در ادبیات ژاپنی نیز ترکیباتی با فضاهای قطعه‌قطعه وجود دارند که مانند پیوندهای یک زنجیره یا مهره‌های یک رشته به هم وصل شده‌اند و ساختار آن‌ها مبتنی بر تعدادی از حوادث یا داستان‌هایی است که به صورت خطی به یکدیگر پیوسته‌اند. هر قسمت از داستان بر علائق خود تمرکز دارد و فقط از فاصله دور با مواردی که قبل یا بعد از آن ظاهر می‌شوند ارتباط می‌یابد (اینو، ۱۹۸۵).

هفت بر اساس ایده‌های ارائه شده توسط گیسون دو نوع ویژگی موجود در جریان ساختار چشم‌انداز را در چارچوب

مفهومی خود مشخص می‌کند که شامل مؤلفه‌های منظر و گذار است. وی منظر را به عنوان عامل توسعه سطحی که در زمان حاضر از یک نقطه خاص قابل مشاهده است تعریف می‌کند. درحالی که از نظر او گذارها تغییرات بزرگ‌تری هستند که در ساختار پرسپکتیو اتفاق می‌افتند و مانند مناظر غیر قابل شمارشی هستند که به صورت تدریجی با آمدن و رفتن ظاهر می‌شوند. گذارها به طور خاصی در میان ادراک کنندگان متمایز هستند و با درجات بالای علاقه ارتباط دارند (هفت، ۲۰۰۱). از طریق آزمایشات صورت گرفته هفت اظهار داشته است که ادراک کنندگان گذار در مسیر را به عنوان واحدهای ساختاری و راهی که در طول زمان ظاهر می‌شوند شناسایی می‌کنند. از نظر او برخی از ویژگی‌ها به عنوان واحدهای تودرتویی که توسط این گذارها تعیین حدود شده‌اند تجربه می‌شوند (هفت، ۲۰۰۱).

می‌توان ادعا کرد که گذارها در فضای معماری ژاپن تبیین‌کننده رابطه میان چشم‌اندازها هستند. به عبارتی با

مکانی در بستر دسترسی هستند. در این رابطه تامپسون با تحلیل فضای ژاپنی بر این نظر است که فضاهای پی‌درپی را می‌توان مجموعه‌ای از خاطرات تجربه دانست که نه تنها شامل زیبایی فضای فیزیکی است؛ بلکه توسط آن می‌توان داستان عناصر موجود در طول مسیر را نیز درک کرد (تامپسون، ۱۹۸۸). توالی چشم‌اندازهای ارائه شده در باغ ژاپنی مبتنی بر داستان و کلیتی مشخص است. بوگنار در نظم ژاپنی اشیاء^۱ توضیح می‌دهد که ژاپنی‌ها رویکردی چند کانونی ارائه کرده‌اند که مستلزم آن قرارگیری انسان در فضا و زمان طی دنباله‌ای از اتفاقات است تا فرد با ورود به داخل فضا آن را از درون تفسیر کند. از نظر بوگنار محیطی که به‌عنوان بافتی از عناصر ناهمگن درک شده و بدون نظم و وضوح ساخته شده است نمی‌تواند یک دیدگاه همه‌جانبه را ارائه دهد (بوگنار، ۱۹۸۸).

جنس مسیر و کیفیت لبه‌های ارتباط آن با چشم‌اندازها به‌عنوان مؤلفه‌ای دیگر

تعریف مفهوم گذار لایه‌های متعدد فضایی به شکل‌های مختلفی در میان دو مؤلفه معماری و طبیعت موجب انتقال مناظر به یکدیگر و تجربه آن توسط بیننده می‌شوند. این لایه‌ها در حقیقت مرز میان معماری و طبیعت را ناملموس می‌سازند و موجب تقویت وجه مکانی باغ در اثر تجربه آن می‌گردند.

نقش فضای گذار در تبیین مؤلفه‌های مکانی دسترسی

مفهوم دسترسی و مکان از طریق وجوه مشترکی باهم ارتباط می‌یابند. چشم‌اندازها مهم‌ترین وجه مکانی نمایان شده در دسترسی هستند. مکان به معنای جایی یا قسمتی از یک فضا از طریق عناصری که در آن قرار دارند هویت خاصی می‌یابد (فلاح و شهیدی، ۱۳۹۴). از این نظر دسترسی بستری اصلی برای نمایان‌سازی ابعادی از مکان است که با تأکید بر تجربه حرکت در فضا و با تکنیک آشکار و پنهان‌سازی چشم‌اندازهای متوالی قابل‌درک هستند. از این رو می‌توان گفت چشم‌اندازها بنیادی‌ترین عامل در ارتباط با درک

1. Japanese order of things

عاملی اساسی در درک پرسپکتیو مشخص در هر نقطه از دسترسی است. هفت بر اساس کار جونز و بولتز (جونز و بولتز، ۱۹۸۸) بر این باور است که استفاده از ساختار پویای یک رویداد، پایه‌ای برای آگاهی پرسپکتیو از نظر شخص ادراک کننده است که آن را حضور پویا می‌نامد (هفت، ۲۰۰۱). از نظر هفت محیط‌ها ویژگی‌های متنوعی را به وجود می‌آورند که منجر به منحصر به فرد به نظر آمدن هرگونه طرح کلی از محیط از یک نقطه مناسب دید و هر مسیری در این محیط می‌گردد. فرد با تحرك در طول مسیر سفرش، یک جریان نوری از اطلاعات را در رابطه با چیدمان محیط دریافت می‌کند و این همان چیزی است که گیسون از آن به عنوان ساختار پرسپکتیو^۱ یاد می‌کند. تا زمانی که ویژگی‌های مسیرهای مختلف متفاوت باشد این مسیرها برای سفر جریان متمایزی از ساختار پرسپکتیو منحصر هر مسیر را ایجاد می‌کنند (هفت، ۲۰۰۱).

در نهایت نحوه تقرب به هر بخش از

فضا یا نوع جهت‌گیری در مسیر عاملی است که فرد را با مقصد ارتباط داده و درک او را از مکان کامل می‌نماید. تقرب در مکان به شکل‌های مختلفی صورت می‌گیرد. علاوه بر نحوه تقرب مستقیم، تقرب^۲ غیرمستقیم به صورت مورب که تحت عنوان سومیچیگای^۳ یاد می‌شود، فضای بزرگ‌تری را نسبت به آنچه که واقعاً وجود دارد ایجاد می‌کند و حتی اگر فاصله بین دروازه و ورودی اصلی بنا کاملاً کوتاه باشد چنین به نظر می‌رسد که طولانی‌تر و در نتیجه جذاب‌تر است. با استفاده از این روش خود ساختمان نیز با دید مستقیم آشکار نمی‌شود. علاوه بر روش مورب این تقرب ممکن است به شکل ال نیز باشد. به شکلی که مسیر از دروازه به سمت راست یا چپ بچرخد. در این رویکرد نیز فضا طولانی‌تر به نظر می‌رسد. چنانکه ایتو می‌گوید از آنجا که دیدن ورودی بنا از دروازه تقریباً غیرممکن است لذت تعلیق و کنجکاوی و همچنین تغییر مناظر موجود بیشتر است چراکه نگرش فرد در طول مسیر توسعه

2. Sumichigai (隅達い)

1. Perspective structure
1. Approach

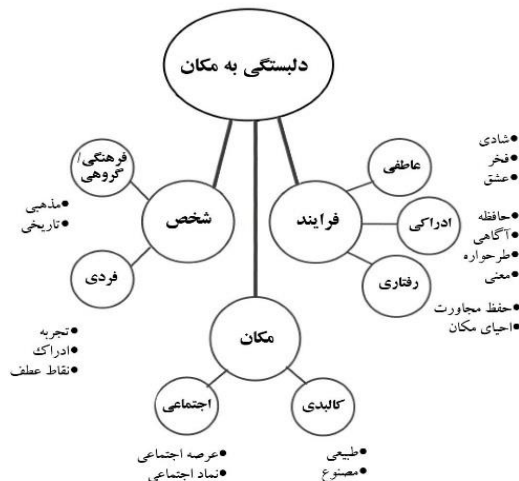
می‌یابد (ایتو، ۱۹۸۹). نهایتاً ممکن است این رویکرد منحنی نیز باشد. این روش معمولاً زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که فضای نسبتاً بزرگی بین دروازه و ورودی اصلی بنا وجود داشته باشد (اسفاکیوتاکا، ۲۰۰۵).

نگرشی مکانی به مفهوم دسترسی نشان می‌دهد که عوامل مشخصی در طول راه بر درک مکانی و ارتقای تجربه آن اثربخش هستند. سه مؤلفه چشم‌انداز، کیفیت لبه راه و نحوه تقرب انسان که در طول دسترسی مورد بررسی قرار گرفتند عناصر اصلی در تعریف کیفیت‌های مکان هستند که در ادامه نقش آن‌ها در عمقیابی حس مکان مورد بررسی قرار خواهد

گرفت.

نقش مؤلفه‌های دسترسی در دل‌بستگی به مکان

دسترسی عاملی است که به دلیل ایجاد تجربه حسی اثرگذار در بیننده موجب عمقیابی سطح حس مکان و درنهایت دل‌بستگی مکانی فرد به باغ ژاپنی می‌گردد. در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده‌ای با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد. در این حالت بر منحصربه‌فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید می‌شود



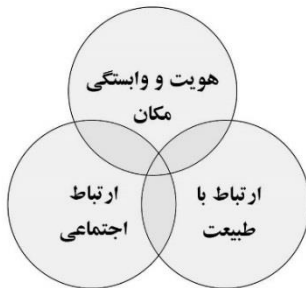
تصویر (۲): مدل سه جانبه دل‌بستگی مکان. مأخذ: اسکئل ۲۰۱۰.

بیوفیزیکی^۳ در رابطه با مکان با تأکید بر محیط یا فضای دربرگیرنده و (۳) اختلاط عوامل پویای هر دو بعد اجتماعی- فرهنگی و محیط طبیعی در پژوهش دلبستگی به مکان شامل این ابعاد هستند (ترنلمن، ۲۰۰۹). اسکنل نیز با بررسی عمیق ابعاد مختلف دلبستگی به مکان چارچوبی سه‌گانه از ابعاد پژوهش شده درباره دلبستگی به مکان را ارائه می‌نماید. او در سه محور شخصی^۴،

(فلاح، ۱۳۸۵). دلبستگی به مکان^۱ به طور کلی به‌عنوان پیوندی قابل درک است که افراد با مکان‌های خاص می‌یابند (اسکنل و گیلفورد، ۲۰۱۰) یا زمینه‌ای است که افراد توسط آن محیط خاصی را ارزش‌گذاری یا شناسایی می‌نمایند (مور و گریف، ۱۹۹۴).

دلبستگی به مکان از ابعاد مختلفی در پژوهش‌های دو دهه اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. به دلیل کاربرد دلبستگی به مکان از چشم‌اندازهای مختلف، تعاریف زیادی در این رابطه فراهم شده است. در اکثر موارد محققان دلبستگی به مکان را به‌عنوان یک مفهوم چندوجهی به‌تصویر می‌کشند که پیوند بین افراد و مکان‌های دارای اهمیت برای آن‌ها را مشخص می‌کند (برای مثال، جولیان، ۲۰۰۳؛ لو و آلمن، ۱۹۹۲). ترنلمن با مرو کلی زمینه‌های مختلف در رابطه با مکان کشمکش‌های موردعلاقه در این زمینه را در سه بعد مختلف ارائه می‌نماید. (۱) بعد اجتماعی- فرهنگی^۲ همچون دلبستگی اجتماعی، (۲) بعد

بستر فردی
هویت مکانی
وابستگی مکانی
ریشه‌داری



بستر اجتماعی
همسایگی
دلبستگی
احساس تعلق
حس آشنا بودن

بستر محیط طبیعی
اتصال به طبیعت
هویت محیطی
وابستگی به طبیعت

تصویر (۳): مدل مفهومی سه قطبی و چهار بعدی دلبستگی مکانی. مأخذ: ریموند، ۲۰۱۰.

2. Biophysical dimensions
3. Person dimension

3. Place attachment
1. Socio-cultural dimensions

دلبستگی به مکان را توسعه داد. با مبنا قرار دادن مدل اسکنل به دلیل جامعیت آن و با در نظر داشتن نقش اساسی طبیعت که در مدل ریموند مؤلفه‌ای اصلی در دلبستگی به مکان است می‌توان به چارچوبی جامع در رابطه با مفهوم دلبستگی به مکان در ارتباط با دسترسی در باغ دست یافت که در آن طبیعت جایگاهی عمیق‌تر از معیاری صرفاً فیزیکی در محور مورد بحث مکان داراست. این چارچوب در بررسی مکانی دسترسی، وجوه اصلی در ارتباط این دو مفهوم را با دقت بیشتری نمایان می‌سازد. تصویر (۳) عوامل مؤثر در دلبستگی به مکان در بستر دسترسی را نشان می‌دهد.

با بررسی وجوه اساسی دسترسی که در باغ ژاپنی نقش بنیادین در تجربه مکان داراست می‌توان به چنین برداشتی رسید که دسترسی به عنوان بنیان تجربه فضا دارای نقاط مشترکی با مفهوم مکان است. این نقاط که در حقیقت ابعاد آشکار شده مکان در بستر دسترسی هستند در اثر

فرآیندی روانشناختی^۱ و بعد خود مکان^۲ به تشریح ابعاد اثرگذار در عمقیابی مکان در سطح دلبستگی به مکان می‌پردازد (اسکنل و گیلفورد، ۲۰۱۰).

ریموند نیز با گسترش پژوهش‌های دلبستگی به مکان از جمله ترنلمن به بررسی مفهوم دلبستگی به مکان در سه محور مختلف می‌پردازد. دلبستگی به مکان در زمینه فردی^۳، زمینه اجتماعی^۴ و زمینه محیط طبیعی^۵ ابعاد دسته‌بندی شده اثرگذار بر دلبستگی به مکان در پژوهش او هستند (ریموند و دیگران، ۲۰۱۰).

از آنجا که کیفیت‌های مکان در بستر باغ در مرز بین معماری و طبیعت قابل تجربه‌اند دو مؤلفه طبیعت و معماری هر یک در جای خود دارای ارزش بنیادین در عمقیابی مفهوم مکان برای بیننده هستند. از این رو با در نظر داشتن مفاهیم متمایز موجود در ساختار باغ ژاپنی و سطوح متعدد دسترسی در آن می‌توان با بازنگری در مفاهیم ارائه شده در مدل‌های اسکنل و ریموند محورهای اصلی مفهوم

7. Community context

8. Natural environment context

4. Psychological process dimension

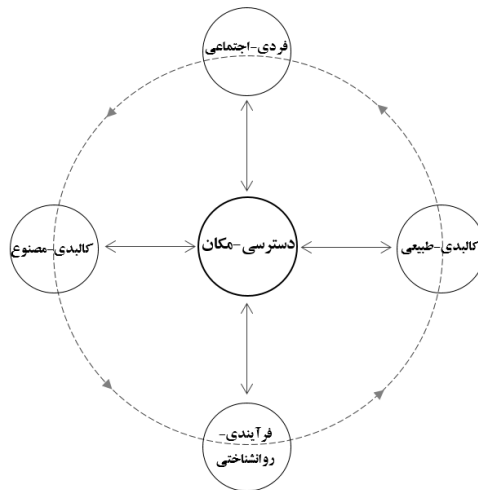
5. Place dimension

6. Personal context

تجربه طولانی موجب عمق‌یابی حس مکان و در نتیجه افزایش دلبستگی به مکان می‌گردند. جدول (۱) نقش مؤلفه‌های دسترسی در دلبستگی به مکان را نشان می‌دهد. این جدول پل‌های

مشترک میان دسترسی و مکان را مشخص می‌نماید که بیننده توسط آن به سطح عمیق‌تری از مفهوم مکان و تجربه آن دست می‌یابد.

تصویر (۴): ابعاد دلبستگی به مکان در بستر دسترسی بر اساس گسترش مدل اسکنل و ریموند. مأخذ: نگارندگان.



جدول (۱): نقش مؤلفه‌های دسترسی در دلبستگی به مکان. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه‌های دسترسی			فردی - اجتماعی	مؤلفه‌های دلبستگی به مکان
نحوه تقرب	کیفیت لبه راه	چشم‌انداز		
نحوه تقرب باتوجه به بستر فردی اجتماعی موقعیت در مقیاس فضاها و همسایگی‌ها را تعیین می‌نماید.	کیفیت لبه راهها باتوجه به تجارب گذشته در فضاهاى مشابه عامل ایجاد ساختار حرکت در فضاست.	زمینه فردی و اجتماعی میزان احساس تعلق به چشم‌اندازهای تعریف شده را تعیین می‌کند.		
نحوه تقرب باتوجه به موقعیت نسبی کالبدی طبیعی فاصله و نوع جهت‌یابی را مشخص می‌کند.	جنس و کیفیت لبه راهها در کالبد طبیعی مرز سیال بین طبیعت و مسیر را تعریف می‌نماید.	آشکارسازی و پنهان‌سازی چشم‌اندازها داستان وابستگی به طبیعت را ایجاد می‌نماید.		
نحوه تقرب باتوجه به موقعیت نسبی کالبدی مصنوع فاصله و نوع جهت‌یابی را مشخص می‌کند.	جنس و کیفیت لبه راهها در کالبد مصنوع مرز مشخص بین بناها و مسیر را تعریف می‌نماید.	آشکارسازی و پنهان‌سازی چشم‌اندازها داستان وابستگی به معماری را ایجاد می‌نماید.		
نحوه تقرب به فضاها باعث ایجاد معنا و آگاهی از موقعیت فرد در مکان می‌گردد.	کیفیت لبه راهها دربردارنده نشانه‌ها و نمادهای مشخص باتوجه به کیفیت فضاست.	چشم‌اندازها با بنیان هویتی و ریشه‌دار برای ناظر تعریف می‌گردد.		

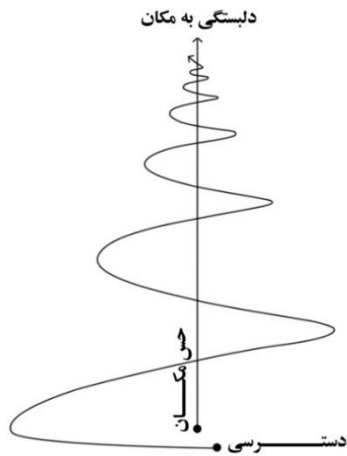
مفهوم با وجوه مشخصی در ایجاد

تصویری از مکان برای فرد نقش بنیادین

نتیجه‌گیری

مطالعه دسترسی نشان می‌دهد که این

تصویر (۵) مدلی است که به صورت



تصویر (۵): مدل مفهومی عمق‌یابی سطوح حس مکان در بستر دسترسی. مأخذ: نگارندگان.

مفهومی رابطه میان دسترسی و مکان را بیان می‌نماید. در این تصویر دسترسی عاملی است که تجربه آن در اثر تداوم ارتباط با یک فضا به تدریج غنای بیشتری یافته و به عنوان وجهی از مکان از آن غیرقابل تفکیک می‌گردد. به عبارتی چنان که مشاهده می‌گردد تجربه غنایافته در بستر دسترسی آن را رفته‌رفته به مفهوم مکان نزدیک‌تر می‌سازد. از سوی دیگر مکان نیز در اثر تداوم تجربه از سطحی چون محیطی صرفاً آشنا عمق بیشتری یافته و بازدیدکننده را به لحاظ احساسی دلبسته خود می‌سازد. عواملی همچون تجارب شخصی و نوع ارتباط فرد با بناها

خود را ایفا می‌نماید. به عبارتی می‌توان گفت دسترسی در حقیقت نمود فیزیکی ارتباط انسان و مکان است که مؤلفه راه در آن عامل اصلی برای درک کیفیت‌های عینی و ذهنی یک مکان است.

از آنجا که راه مهم‌ترین بستر برای تجربه انسانی از فضاست، کیفیت و سطح اثرگذاری چشم‌اندازهایی که در طول مسیر راه ارائه می‌گردد در ارتقای سطح حس مکان و عمیق‌شدن آن تأثیر بسزایی دارد. این موضوع با تعریف لایه‌های فضا در طول راه باغ ژاپنی تحقق می‌یابد. ارتباط لایه‌های فضایی با تکنیک آشکارسازی و پنهان‌سازی صحنه‌هایی با داستان مشخص صورت می‌پذیرد که در آن مؤلفه‌هایی همچون کیفیت سطوح کالبدی راه و مرزهای آن با هر چشم‌انداز از ساختار مشخصی پیروی می‌نمایند و در نهایت اشکال مختلفی از دست‌یابی و تقرب به بخش‌های مختلف مکان را تعریف می‌نمایند. مؤلفه‌های دسترسی در حقیقت ابعاد مکان در مناظر متحرک درک‌شده توسط انسان هستند که مکان را بر بیننده آشکار می‌سازند.

و محیط طبیعی در ایجاد ارتباط سریع‌تر
 بین فرد با مکان تأثیر بسزایی داراست.
 کیفیت مؤلفه‌های مکانی ارائه شده توسط
 دسترسی نیز عامل بسیار مهم دیگری
 است که در درهم‌تنیدگی مفهوم دسترسی
 و مکان و در نهایت ارتقای حس هویت و
 تعلق و دل‌بستگی عمیق به آن تأثیر بسیار
 داراست.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه/رساله: این مقاله مستخرج از رساله/پایان نامه نمی‌باشد.

- University of Nicosia.
- Ana Gil Solá, Bertil Vilhelmson, Anders Larsson(2018). Understanding Sustainable Accessibility in Urban Planning: Themes of consensus, themes of tension. *Journal of Transport Geography* Volume 70, Pages 1-10.
- Batty, M(2009). Accessibility: In Search of a Unified Theory. *Environment and Planning B, Planning & Design*, 36(2), 191–194.
- Bognar(1988). *Japanese Architecture*. St Martins Pr, London, UK.
- Brown, A.E(2017). Car-less or Car-free Socioeconomic and Mobility Differences Among Zero-car Households. *Transp. Policy* 60, 152–159.
- Chen, Z, & Yeh, A.G.O(2019). Accessibility in Equality and Income Disparity in Urban China: A Case Study of Guangzhou. *Annals of the American Association of Geographers*, 109(1), 121–141.
- Engel, David H(1986), *Japanese Gardens for Today* Hardcover – 1986,
- منابع**
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۶، صفحه ۵۷–۶۶.
- فلاحت، محمدصادق و شهیدی، صمد (۱۳۹۴). نقش مفهوم توده-فضا در تبیین مکان معماری. *باغ نظر*، شماره ۳۵، صفحه ۲۷–۳۸.
- کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل و سهیلی، جمال‌الدین (۱۳۹۵). بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی محیط در اجتماع‌پذیری فضاهاى فرهنگی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا، مورد مطالعاتی: مجتمع‌های فرهنگی دزفول و نیاوران. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، شماره ۲۵، صفحه ۳۶۱–۳۷۳.
- مهدی‌زاده سراج، فاطمه و نیک‌گفتار، عاطفه (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی راهکارهای دست‌یابی به آسایش، آرامش و تفکر در باغ‌های سنتی ایران و ژاپن. *باغ نظر*، شماره ۷، صفحه ۳۱–۴۲.
- Postekkis, Alexandros(2010). *Transactional Space, Perceptions of Architecture*

- Geurs, K.T, & van Wee, B(2004). Accessibility Evaluation of Land-use and Transport Strategies: Review and research directions. *Journal of Transport Geography*, 12(2), 127–140.
- Giuliani, M.V(2003). ‘Theory of attachment and place attachment’, in Bonnes, M., Lee, T. and Bonainto, M. (Eds.) *Psychological Theories for Environmental Issues*, pp.137-170. Aldershot: Ashgate.
- Handy, S, & Niemeier, D.A(1997). Measuring accessibility: An Exploration of Issues and alternatives. *Environment & PlanningA*, 29, 1175–1194.
- Hansen, W.G, (1959). How Accessibility Shapes Land Use. *Journal of, American Institute of Planners* 25(1), 73–76.
- Heft H(2001). *Ecological Psychology in Context: James Gibson, Roger Barker, and the Legacy of William James's Radical Empiricism*. Lawrence Erlbaum Associates, Mahwah NJ.
- Inoue, M(1985). *Space in Japanese Architecture*. Charles E. Tuttle.
- Sfakiotaki, Despina(2005). *Analysis of Movement in Sequential Space*. Oulun Yliopisto, Oulu.
- Cascetta, Ennio, Cartenì, Armando, Montanino, Marcello(2012). *A New Measure of Accessibility Based on Perceived Opportunities*. SIDT Scientific Seminar.
- Erkut, G, &Özgen, C(2003). *The Economic and Spatial Peripherally of Border Regions in South Eastern Europe*. 43rd Congress of the European Regional Science Association: “Peripheries, Centres, and Spatial Development in the New Europe, 1–29.
- Budiloviča, Evelīna, (2019). *Decision Support Framework for the Urban Transport Interchange Transformation Based on the Principles of Sustainable Mobility*. Case Study of Riga City, Doctoral Thesis. Transporta UN sakaru institūts.
- Gärling, T, Steg, L(Eds.) (2007). *Threats from Car Traffic to the Quality of Urban Life*. Amsterdam, Elsevier.

- requirements for the degree of. University of Washington.
- Mahdzar, S.S.B.S(2008). Sociability vs Accessibility Urban Street Life. Doctoral thesis. University of London.
 - Marc P. Keane(2012). Japanese Garden Design. Tuttle Publishing.
 - Markovich, J(2013). Accessibility, Equity and Transport. In M. Givoni, & D. Banister(Eds.). Moving towards Low Carbon Mobility, pp.26–42.
 - Locher, Mira, Simmons, Ben(2010). Traditional Japanese Architecture: An Exploration of Elements and Forms. Tuttle Publishing, 10 Nov 2010 - Architecture - 224 pages.
 - Moore, R. L, & Graefe, A. R(1994). Attachments to recreation settings: The case of rail trail users. Leisure Sciences, 16(1), 17–31.
 - Nitschke, G(1993). From Shinto to Ando. London: Academy Editions Erns & Son.
 - Parent MN(2004). Dictionary of Japanese Architectural and Weatherhill, New York/Tokyo.
 - Itoh, T(1989). The Elegant Japanese House Traditional Sukiya Architecture. Walker/Weatherhill, New York/Tokyo.
 - Ivan Blečić, Arnaldo Cecchini, Tanja Congiu, (2013). A Design and Planning Support System for Walkability and Pedestrian Accessibility. Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
 - Jones MR & Boltz M(1989). Dynamic Attending and Responses to Time. Psychological review 96: 459-491.
 - Lawrence, J. Howell(2016). Etymological Dictionary of Han. Chinese Characters.
 - Low, S. M., & Altman, I(1992). Place attachment: A conceptual inquiry. In I. Altman, & S.M. Low(Eds.) , Place attachment, pp. 1-12. New York: Plenum Press.
 - Fujii, Machiyo(2015). Urban Engawa / Verandah-Fuzzy Spaces In-Between Inside and Outside Making Interactive Spaces for Tokyo Urbanites. A thesis submitted in partial fulfillment of the

- State University, Tallahassee, Florida. *Journal of Interior Design Education and research*.
- Trentelman, C. K.(2009). Place Attachment and Community Attachment: A primer grounded in the Lived Experience of a Community Sociologist. *Society & Natural Resources*, 22(3), 191e210.
 - Wachs, M, & Kumagai, T.G(1973). Physical Accessibility as a Social Indicator. *Socioeconomic Planning Sciences* 7(5), 437–456.
 - Afacan, Yasemin(2011). Teaching Universal Design: an Empirical Research in Interior Architecture, *Procedia Social and Behavioral Sciences* 15, 3185–3192.
 - Art Historical Terminology. Online [cited 10 September 2004].
 - Patricia, Jonas(2001). Japanese-Inspired Gardens: Adapting Japan's Design Traditions for Your Garden. Brooklyn Botanic Garden.
 - Preston, J, Rajé, F(2007). Accessibility, Mobility and Transport-related Social Exclusion. *J. Transp. Geogr.* 15, 151–160.
 - Scannell, L., & Gifford, R(2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 1–10.
 - Spiekermann, K, & Neubauer, J(2002). European Accessibility and Peripherally: Concepts, Models and Indicators. Nordregio working paper 2002: 946.
 - Thompson, F(1988). A Comparison between Japanese Exterior Space and Western Common Place. *Nordisk Arkitekturforskning* 1/2: 115-136.
 - Tock Ohazama(1982). Transition Space in Japanese Architecture. The Florida